

مقصود است. در این آیه، به نشانه‌های روشن و خاص خانه کعبه، از جمله مقام ابراهیم\* و امنیت کسانی که به آن وارد شوند و نیز وجوب حج بر افراد مستطیع اشاره شده است: ﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران/۳، ۹۷)

بر پایه روایات شأن نزول، مسلمانان و یهود به یکدیگر فخر می‌فروختند. بیت المقدس را شکوهمندتر از کعبه می‌شمردند؛ زیرا سرزمینی مقدس و محل هجرت انبیا بوده است. در برابر، مسلمانان کعبه را با فضیلت‌تر می‌دانستند. در پی این اختلاف نظر، آیات ۹۶-۹۷ آل عمران/۳ نازل شد<sup>۴</sup> و کعبه را به سبب پیشینه تاریخی، پر خیر و برکت بودن، مایه هدایت بودن برای جهانیان و در داشتن نشانه‌های گوناگون توحید و معنویت، برتر از بیت المقدس معرفی کرد.<sup>۵</sup> مفسران درباره مرجع ضمیر «فیه» در این آیه اختلاف نظر دارند. برخی آن را «بیت» و برخی دیگر «بکة» شمرده‌اند. بر پایه روایتی، مقصود از بکة مکان کعبه<sup>۶</sup> است. بر پایه نقلی دیگر،

۴. مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۹۷: الدر المنثور، ج ۲، ص ۵۲؛ روح المعانی، ج ۲، ص ۲۲۱.  
۵. نمونه، ج ۳، ص ۹-۱۶.  
۶. المیزان، ج ۳، ص ۳۵۶؛ کنز الدقائق، ج ۳، ص ۱۶۶.

آن را در نخستین سال ورود حجاج ایرانی به حجاز پس از حج خونین برای انتشار در برخی مطبوعات نگاشته است. (ص ۳۷۶-۳۸۲) وی در این مقاله مقایسه‌ای میان برخورد مسلمانان کشورهای دیگر با ایرانیان در سال ۱۳۶۶ ش. و سال ۱۳۷۰ ش. می‌کند و بر این باور است که نگاه مسلمانان دیگر کشورها به ایرانیان به ویژه پس از حمله صدام به کویت مساعدتر شده است. (ص ۳۷۸-۳۷۹)

این کتاب را سید علیرضا حجازی به سال ۱۳۸۷ ش. در انتشارات فارس حجاز و در ۴۱۰ صفحه با قطع وزیری چاپ کرده است.

سید محسن طاهری



## آیات بینات: تعبیری قرآنی درباره

نشانه‌های آشکار خانه کعبه در مسجدالحرام

آیات جمع آیه به معنای نشانه<sup>۱</sup> و بینات جمع بینه به معنای دلیل واضح عقلی یا محسوس آمده<sup>۲</sup> و آیات بینات، به معنای نشانه‌های روشن و آشکار به کار می‌رود<sup>۳</sup>، چنان‌که در آیه ۹۷ آل عمران/۳ همین معنا

۱. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۴۱، «ای ی».  
۲. مفردات، ص ۶۸؛ تاج العروس، ج ۱۸، ص ۸۴، «بین».  
۳. حقائق التأویل، ص ۳۰۰؛ مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۴۱؛ المیزان، ج ۳، ص ۳۵۴.

مرجع آن محدوده حرم است.<sup>۱</sup>  
 درباره «آیات بینات» نیز سخنان گوناگون آمده که عبارتند از: ۱. مقصود از آن، نشانه‌های آشکاری همچون مناسک و شعائری است که خداوند مواضع آن‌ها را برای حج گزاران معین فرموده است.<sup>۲</sup> ۲. مقصود از آن، مقام ابراهیم، امنیت وارد شونده به حرم و وجوب حج بر مردم مستطیع است.<sup>۳</sup> ۳. مصادیقی مختلف برای آن ذکر کرده‌اند. امام صادق (ع) مقام ابراهیم، حجرالاسود و منزل اسماعیل (ع) را از مصادیق «آیات بینات» دانسته است.<sup>۴</sup> بر پایه نقل مفسران، بدین جهت «مقام ابراهیم» از میان همه مصادیق در آیه ۹۷ آل عمران یاد شده که آشکارترین نشانه برای عموم مردم است؛<sup>۵</sup> زیرا هم اثر پا بر آن نمایان است و هم هنگامی که ابراهیم (ع) برای دعوت مردم به حج بر آن ایستاد، به گونه‌ای ارتفاع یافت که بالاتر از کوه‌ها قرار گرفت و دعوت آن حضرت را همه مردم، حتی آنان که در پشت پدران و رحم مادران بودند، لیبیک گفتند.<sup>۶</sup> بر حسب نقلی، مقصود از مقام ابراهیم

۱. حقائق التأویل، ص ۳۰۲.  
 ۲. حقائق التأویل، ص ۳۰۰.  
 ۳. المیزان، ج ۳، ص ۳۵۲.  
 ۴. الکافی، ج ۴، ص ۲۲۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۳۹؛ بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۱۸.  
 ۵. الصافی، ج ۱، ص ۳۵۸؛ کنز الدقائق، ج ۲، ص ۱۶۶.  
 ۶. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۳؛ نور الثقلین، ج ۳، ص ۴۸۸.

سراسر حرم است.<sup>۷</sup>  
 افزون بر مصادیق یاد شده، مفسران مصادق‌هایی دیگر برای «آیات بینات» ذکر کرده‌اند: ۱. کعبه. ۲. ارکان کعبه و ازدحام مردم کنار آن و تعظیم آنان در برابرش. ۳. زمزم. ۴. مشاعر یعنی منا، مشعر، عرفات<sup>۸</sup> و... ۵. صفا و مروه.<sup>۹</sup> ۶. خودداری پرندگان از رفتن بر فراز کعبه.<sup>۱۰</sup> ۷. کیف یافتن سریع کسی که حرمت کعبه را هتک کند.<sup>۱۱</sup> ۸. حرم و امنیت آن.<sup>۱۲</sup> ۹. امنیت وحوش حرم در برابر درندگان. ۱۰. آزاد شدن هر برده‌ای که بر کعبه بالا رود. ۱۱. نزول باران مقابل هر رکن کعبه نشانه فراوانی و برکت در بلاد همان سمت و ناحیه است و هرگاه باران تمام کعبه را در برگیرد، نشانه فراوانی در همه شهرها و آبادی‌هاست.<sup>۱۳</sup> ۱۲. نابود شدن هر جباری که قصد تخریب کعبه را داشته باشد؛ مانند ابرهه و اصحاب فیل\*.<sup>۱۴</sup> ۱۳. از بین رفتن سنگریزه‌ها و

۷. مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۹۹.  
 ۸. مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۹۸؛ تفسیر قرطبی، ج ۴، ص ۱۳۹؛ المیزان، ج ۳، ص ۳۵۶.  
 ۹. الدر المنثور، ج ۲، ص ۵۴.  
 ۱۰. احکام القرآن، ج ۲، ص ۳۰۴؛ التبیان، ج ۲، ص ۵۳۶؛ زاد المسیر، ج ۱، ص ۳۰۷.  
 ۱۱. حقائق التأویل، ص ۲۹۹؛ التبیان، ج ۲، ص ۵۳۶؛ زاد المسیر، ج ۲، ص ۳۰۷.  
 ۱۲. مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۹۹؛ تفسیر قرطبی، ج ۴، ص ۱۴۰.  
 ۱۳. مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۹۹؛ روح المعانی، ج ۲، ص ۲۲۲.  
 ۱۴. روح المعانی، ج ۲، ص ۲۲۲.

هزاران سال با وجود دشمنان بسیار.<sup>۷</sup> علامه طباطبایی بدل یا عطف بیان بودن جملات پس از ﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ﴾ را نمی‌پذیرد. دلیل وی آن است که در این صورت، در جمله خبریه ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾، «أَنَّ» در تقدیر گرفته می‌شود و جمله ﴿لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ﴾ به جمله خبریه تأویل می‌گردد و آن گاه به جمله قبل خود عطف می‌شود. در نتیجه رجوع کلام به حسب تقدیر چنین است: «هي مقام ابراهيم و الأمان لمن دَخَلَهُ وَ حَجَّهَ لِمَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا». اما آیه با چنین تأویلی مساعد نیست، زیرا هر یک از جملات سه گانه پس از ﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ﴾ برای مقصودی خاص آورده شده است: یکی از وجود مقام ابراهیم در این مکان خبر می‌دهد و دیگری از امنیت کسانی که درون حرم شوند و سومی از انشای وجوب حج. هر یک از این جملات بیان از ﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ﴾ است؛ نه این که از باب عطف بیان باشد.<sup>۸</sup>

جمله ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾ درصدد بیان حکم تشریحی است و در مقام بیان خاصیت تکوینی نیست. مقصود از خاصیت تکوینی این است که هر کس درون آن شود، امنیت داشته باشد و هیچ کس نتواند متعرض او گردد؛ حال آن که گاه درون حرم نیز امنیت مردم سلب

۷. الکشاف، ج ۱، ص ۳۸۸؛ روح المعانی، ج ۲، ص ۲۲۳.

۸. المیزان، ج ۳، ص ۳۵۲.

افزایش نیافتن آن به رغم استفاده هر ساله از آن در رمی جمرات.<sup>۱۴</sup> تعرض نکردن وحوش و درندگان در حرم به یکدیگر.<sup>۲</sup> برخی درباره ﴿مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ﴾ در آیه ۹۷ آل عمران/۳ گفته‌اند که مبتدأست و خبرش محذوف؛ یا خبر مبتدأی محذوف است.<sup>۳</sup> برخی دیگر آن را بدل<sup>۴</sup> یا عطف بیان<sup>۵</sup> از ﴿آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ﴾ دانسته‌اند. نیز در توجیه آن که ﴿مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ﴾ مفرد و ﴿آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ﴾ جمع است، وجوهی برشمرده‌اند:

۱. گرچه ﴿مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ﴾ مفرد است؛ به جهت ظهور و قوت دلالتش بر قدرت خداوند و نبوت ابراهیم که پایش در سنگ سخت فرورفت، به منزله آیات متعدد است؛ چنان که ابراهیم به تنهایی یک امت بود: ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً﴾. (نحل/۱۶، ۱۲۰)

۲. مقام ابراهیم به تنهایی مشتمل بر آیات و نشانه‌هایی است؛ همچون نقش بستن اثر پا در سنگ، نرم شدن بخشی از سنگ و فرورفتن پا در آن تا برآمدگی آن و سخت بودن دیگر قسمت‌های سنگ و باقی ماندن مقام ابراهیم به رغم از میان رفتن دیگر معجزات انبیا طی

۱. احکام القرآن، ج ۲، ص ۳۰۴؛ تفسیر قرطبی، ج ۴، ص ۱۳۹.

۲. حقائق التأویل، ص ۲۹۹.

۳. مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۹۷؛ روح المعانی، ج ۲، ص ۲۲۳.

۴. حقائق التأویل، ص ۲۹۹؛ الکشاف، ج ۱، ص ۳۸۷.

۵. روح المعانی، ج ۲، ص ۲۲۳.

۶. الکشاف، ج ۱، ص ۳۸۷؛ روح المعانی، ج ۲، ص ۲۲۳.

شده است. از این جمله خبریه می توان برداشت نمود که قبل از اسلام هم این حکم تشریح شده بود؛ چنان که از دعای ابراهیم علیه السلام می توان چنین فهمید: ﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا﴾ (ابراهیم/۱۴، ۳۵). وی از خداوند امنیت مکه را تقاضا کرد و خدا به زبان تشریح دعایش را مستجاب فرمود و همواره دل های بشر را به پذیرش این امنیت سوق می دهد.<sup>۱</sup>

مفسران درباره امنیت وارد شونده گان به حرم و جوهری ذکر کرده اند: ۱. در دوران جاهلیت، اگر مجرم و خطاکاری به حرم پناهنده می شد، هر چند جرمی سنگین داشت، تا زمانی که درون حرم بود، کسی متعرض او نمی شد. ۲. اگر چه جمله ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾ خبری است، مقصود از آن امر است؛ یعنی هر کس به حرم پناهنده شد، تا زمانی که در آن جاست، باید به او امنیت داد. ۳. کسی که درون حرم شود و واجبات الهی را بشناسد، در آخرت از عذاب الهی در امان خواهد بود. روایتی از امام باقر علیه السلام مؤید همین مطلب است.<sup>۲</sup> جمله ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ﴾ متضمن تشریح وجوب حج به صورت امضای تشریح پیشین آن در زمان ابراهیم علیه السلام است.<sup>۳</sup>

مفسران آشکار بودن نشانه حجرالاسود را بدین جهات دانسته اند: ۱. خداوند آن را همراه آدم علیه السلام در بهشت قرار داد. ۲. پیمان الهی در آن به امانت نهاده شد. ۳. در قیامت با زبان گویا و چشمان بینا حضور می یابد و آفریدگان آن را می شناسند. سپس به سود کسی که به عهد و پیمانش وفا کرده و نیز به زبان کسی که آن را انکار کرده، گواهی می دهد. ۴. عده ای از مردم نطق و گواهی آن را به نفع امام سجاد علیه السلام مشاهده کردند؛ آن گاه که محمد بن حنفیه با آن حضرت در مسئله امامت به منازعه برخاست. ۵. بر پایه روایات، غیر معصوم نمی تواند آن را در جایش نصب کند.<sup>۴</sup> بر پایه نقلی، آشکار بودن نشانه منزل اسماعیل از این جهت است که هنگام آغاز سکونتش در آن، هیچ آبی آن جا نبود؛ اما به گونه ای اعجاز آمیز آب در آن مکان پدید آمد.<sup>۵</sup>

#### ◀ منابع

احکام القرآن: الجصاص (م. ۳۷۰ ق.)، به کوشش قمحای، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق؛ بحار الانوار: المجلسی (م. ۱۱۱۰ ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق؛ تاج العروس: الزبیدی (م. ۱۲۰۵ ق.)، به کوشش علی

۴. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۸؛ الصافی، ج ۱، ص ۳۵۸-۳۵۹؛ کنز

الدقائق، ج ۳، ص ۱۶۸.

۵. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۸؛ الصافی، ج ۱، ص ۳۵۸-۳۵۹؛ کنز

الدقائق، ج ۳، ص ۱۶۸.

۱. المیزان، ج ۳، ص ۲۵۴.

۲. مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۹۹؛ روض الجنان، ج ۴، ص ۴۴۳؛ کنز

الدقائق، ج ۳، ص ۱۷۲.

۳. المیزان، ج ۳، ص ۲۵۵.

۱۳۹۳ق؛ نورالثقلین: العروسى الحویزی (م. ۱۱۱۲ق.)، به کوشش رسولى محلاتى، اسماعیلیان، ۱۳۷۳ش؛ وسائل الشیعه: الحر العاملى (م. ۱۱۰۴ق.)، قم، آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۲ق.

محمد مهدى فیروزمهر



## آیه ابلاغ ← آیه تبلیغ

## آیه اسراء ← اسراء

## آیه اکمال: سومین آیه سوره مائده درباره

کامل شدن دین اسلام با تعیین امام علی علیه السلام

به جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله

در بخشی از آیه ۳ مائده/۵ پس از یادآوری نو میدی کافران از ناکامی دین مسلمانان، به کامل شدن دین و خشنودی خداوند از اسلام به عنوان دین مردم تصریح شده است: ﴿الْيَوْمَ يُؤَسُّسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾، از این رو، بخش یاد شده، آیه اکمال دین و به اختصار «آیه اکمال» خوانده می شود.<sup>۱</sup>

کمال هر چیز یعنی اجزای آن کامل شده باشد<sup>۲</sup> و اکمال هنگامی است که غرض از آن

شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق؛ التبیان: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش العاملى، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تفسیر العیاشی: العیاشی (م. ۳۲۰ق.)، به کوشش رسولى محلاتى، تهران، المكتبة العلمية الاسلامية؛ تفسیر القمی: القمی (م. ۳۰۷ق.)، به کوشش الجزائری، قم، دار الكتاب، ۱۴۰۴ق؛ تفسیر نمونه: مکارم شیرازی و دیگران، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ الجامع لاحکام القرآن: القرطبی (م. ۶۷۱ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق؛ حقائق التأویل: الشریف الرضی (م. ۴۰۶ق.)، با شرح کاشف الغطاء، بیروت، دار المهاجر؛ الدر المنثور: السیوطی (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۶۵ق؛ روح المعانی: الألوسی (م. ۱۲۷۰ق.)، به کوشش علی عبدالباری، بیروت، ۱۴۱۵ق؛ روض الجنان: ابوالفتوح رازی (م. ۵۵۴ق.)، به کوشش یاحقی و ناصح، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ش؛ زاد المسیر: ابن الجوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش عبدالرزاق، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۲۲ق؛ الصافی: الفیض الکاشانی (م. ۱۰۹۱ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۲ق؛ الکافی: کلینی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ الکشاف: الزمخشری (م. ۵۳۸ق.)، قم، بلاغت، ۱۴۱۵ق؛ کنز الدقائق: المشهدی (م. ۱۱۲۵ق.)، به کوشش درگاهی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۱ق؛ مجمع البحرین: الطریحی (م. ۱۰۸۵ق.)، به کوشش الحسینی، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ق؛ مجمع البیان: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ المسترشد: الطبری الشیعی (م. قرن ۴)، به کوشش محمودی، تهران، کوشانپور، ۱۴۱۵ق؛ مفردات: الراغب (م. ۴۲۵ق.)، نشر کتاب، ۱۴۰۴ق؛ المیزان: الطباطبائی (م. ۱۴۰۲ق.)، بیروت، اعلمی،

۱. نهج الحق، ص ۱۹۲؛ الغدیر، ج ۱، ص ۲۳۴.  
 ۲. العین، ج ۵، ص ۳۷۸؛ لسان العرب، ج ۵، ص ۵۹۹، «کمل».